

گزارش

ردای پررمز و راز فضا

هلیا قاضی میرسعید

«اا سفر آن ردای پررمز و راز فضا را اندکی به کناری می زند و شهرهایی با نام‌هایی سحرآمیز و خیال انگیز چون : سمرقند زرین فام حاجی طرخان اصفهان شهر عطر گل ها در لحظه‌ای سیمایی واقعی می باید که به این شهرها وارد می شویم و سراسر از زندگی در هوای این شهرها تنفس می کنیم .»

دو هفته پیش گالری میرمیران واقع در خانه هنرمندان نمایشگاهی از عکس های یک عکاس سوئسی به نام آته ماری شوارتسنباخ را به نمایش گذاشت. آته ماری شوارتسنباخ در ۲۳ ماه مه ۱۹۰۸ در زوریخ به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۱ دکتری خود را در رشته تاریخ و ادبیات گرفت. او یک نویسنده و تاریخ پژوه عکاس و روزنامه نگار بود و بیشتر دوران بزرگسالی خود را در سفر به دور دنیا سپری کرد. وی در سفری که به ایران داشته عکس هایی از گوشه و کنار این مرز و بوم می گیرد که اکنون بعد از ۶۰ سال که از فوت او می گذرد به همت سفارت سوئیس در ایران برای اولین بار ۳۱ عکس از ۴۰۰ عکس موجود به نمایش درآمد. در روز افتتاحیه این نمایشگاه فیلیپ ولتی سفیر سوئیس در ایران پس از خوشامدگویی به حاضرین از سفرهایی که شوارتسنباخ به مشرق زمین داشته و سفرنامه هایی که از خود به یادگار گذاشته سخن گفت. سپس علی دهباشی سردبیر مجله بخارا که در چندین شماره از این مجله به معرفی کتاب های آته ماری شوارتسنباخ پرداخته بود مختصری از زندگی این هنرمند سوئسی و شرایط خاص فکری و روحی او را برای حضار بازگو کرد. دهباشی در سفری که به آلمان داشته به خاطر علاقه ای که به سفرنامه دارد با کتاب های آته ماری آشنا می شود. به نظر او آته ماری شخصیت بسیار جالبی دارد چراکه او خارج از روابط تعریف شده است و خلاف عرف عمل می کند و برای تجربه های جدید آمادگی دارد و به همین منظور به تنهایی راهی سفر به مشرق زمین می شود. در پایان فرزانة ارسطو بازرگنر تلوائی تاتنار و تلویزیون سه داستان کوتاه به قلم شوارتسنباخ را خوانند. صدای طنین انداز او فضا را پر کرده و به شنونده را بر سر شوق می آورد. ارسطو آنتونچان با هیچجان داستان‌ها را می خواند که گویی خود همسفر آته ماری بوده است. ارسطو درباره انتخابش برای داستان خوانی می گوید: «من با آنتونیا برتیشینگر آشنایی داشتم و او به من پیشنهاد داد که این کار را انجام دهم و من هم چون احساس کردم نگاه‌های آته ماری به من نزدیک است پذیرفتم.» از یک ماه قبل کتاب های شوارتسنباخ در اختیار ارسطو قرار می گیرد تا او آنها را مطالعه کند و خود چند داستان کوتاه را برگزیند. به عقیده ارسطو عکس های که شوارتسنباخ گرفته بی تعصب و به دور از سیاست‌ها و خیلی مردمی است و همه چیز را به خوبی نشان می دهد. فیلیپ ولتی سفیر سوئیس که نزدیک به دو سال است در ایران اقامت دارد انگیزه برپایی این نمایشگاه را چنین عنوان می کند : «این عکس ها ارزش تاریخی دارند و ما می‌خواستیم با برگزاری این نمایشگاه از طرف مردم سوئیس هدیه‌ای به ایرانیان تقدیم کنیم. همچنین ما سعی در معرفی آثار ادبی و هنری شورمان داریم.» به گفته خودش او در ابتدای ورود به ایران هیچی نمی دانست اما هر روز که می گذرد چیز تازه‌ای می‌آموزد و امیدوار است در ۲ سال باقیمانده هم هر روز موضوعات بیشتری را یاد بگیرد. آنتونیا برتیشینگر دبیر دوم سفارتخانه و

مسئول برپایی این نمایشگاه است. فارسی را به خوبی صحبت می کند. می گوید: «من کتاب های شوارتسنباخ را خوانده بودم و به آثار او علاقه داشتم و شنیده بودم که او عکس های از ایران دارد. در بخش عکاسی آرشپو های ادبی سوئیس به دنبالش گشتم تا بالاخره آنها را یافته و فکر کردم نگاه یک زن که در ۶۰ سال پیش به تنهایی به ایران سفر کرده و سعی داشته تا سرزمین را به تصویر بکشد برای مردم ایران هم جالب خواهد بود.» احسنراقی اجتماعی است که در بین بازدیدکنندگان به چشم می خورد. او به دعوت سفارت سوئیس به تماشای آمده است و معتقد است : «هر کسی که به ایران سفر کرده غرق در تحسین شده چرا که خاک ایران گیراست پس چه بهتر که درهای کشورمان را به روی هنرمندان تابا باز کنیم.» عکس ها مضامین کاملاً اجتماعی دارند. زنان روستایی در استان مازندران، کودکان عشایر، خانه‌های موقت برای کارگران خط راه‌آهن گنبدکائووس، کارگاه تباکو، قالیبویان و... . موضوع عکس ها هستند. در بین عکس ها جملات کوتاهی در توصیف ایران از آته ماری بر صفحه‌ای سفید نوشته شده است : «در میدان بزرگ تیریش پرندہ بر نمی‌زد فقط چند درشکه با اسبانی مردنی آنجا بود و اسبان بی رمق زیر آفتاب ایستاده بودند. . . . سعید فیروزآبادی دارای مدرک دکتر در رشته زبان و ادبیات آلمانی است و چون در حوزه شرق شناسی فعالیت دارد ترجمه آثار آته ماری شوارتسنباخ را بر عهده گرفته است. به نظر فیروزآبادی برای آته ماری نقش سفر اهمیت داشته و او دلپسته ایران بوده است. وی آثار شوارتسنباخ را به دو دسته تقسیم می کند و می گوید: «دسته‌ای از آثار او ارزش شوارتسنباخ را بر عهده گرفته است. به نظر فیروزآبادی برای آته ماری سفر اهمیت داشته و او دلپسته ایران بوده است. وی آثار شوارتسنباخ را به دو دسته تقسیم می کند و می گوید: «دسته‌ای از آثار او ارزش شوارتسنباخ را بر عهده گرفته است. به نظر فیروزآبادی برای آته ماری نقش سفر اهمیت داشته و او دلپسته ایران بوده است. وی آثار شوارتسنباخ را به دو دسته تقسیم می کند و می گوید: «دسته‌ای از آثار او ارزش

عاشق بودن صرف، افسردگی می آورد.»
ابراهیم حقیقی خطاب به گرافیسث جوانی که بالاخره توانسته از میان جمعیتی که برای مراسم اختتامیه «نخستین جایزه طراحی پوستر بزرگداشت ممیز» در تالار فردوسی دانشگاه مشهد جمع شده‌اند، خودش را به حقیقی برساند و از او بخواهد که جمله‌ای کلیدی برای کسی که عاشق گرافیک است بنویسد، می گوید: «باید حرکت کرد تا از معشوق جواب مثبت گرفت. در غیر این صورت نتیجه چیزی جز افسردگی نخواهد بود. برای پیشرفت در طراحی گرافیک هم علاوه بر شور و عشق، حرکت لازم است.» حرکت‌ها آغاز شده‌اند و گرافیسث‌هایی که تعدادشان روزانه بیشتر می‌شود، در شهرهای مختلف کم کم پا به راه می‌گذارند تا راه را بیشتر از پیش باز کنند. اتفاق‌هایی هم در گوشه و کنار افتاده که بزرگترهای گرافیک سعی دارند با حمایت خود از این حرکت‌ها به آنها پروبال بدهند. به خصوص حالا که گرافیک ایران چندماه‌است بنیانگذار یا به عبارتی پدر خود را از دست داده است و اعضای خانواده سعی می‌کنند برای اثبات قدرشناس بودن خود به بهترین شکل ممکن با «مرتضی ممیز» را گرامی بدارند. نمایشگاه‌هایی در شهرهایی مثل اردبیل، اصفهان و کرمان برگزار شده است. ادامه این حرکت به شکل مسابقه‌ای برای طراحی پوستر ممیز در مشهد برگزار شد.

سه، دو، یک...

«هدایت گواهی» و «مهدی شهسپوری» دو نفر از دانشجویان رشته گرافیک مشهد به این فکر افتادند که به نام «ممیز» حرکتی انجام دهند. مسئله جدی شد تا اینکه در دی‌ماه ۸۴ جلسه‌ای با حضور کسانی که به نوعی با گرافیک و نام ممیز در ارتباط بودند برگزار شد. در این جلسه هسته اولیه به نام شورای برنامه‌ریزی شکل گرفت که «علی عابدی» و «مسعود شاکری» دو نفر از استادان گرافیک مشهد در کنار دانشجویان خود قرار گرفتند. «علی عابدی» به عنوان دبیر مراسم انتخاب شد و برنامه‌ها کم کم مشخص شدند. اول صحبت از مسابقه کاریکاتور بود اما تصمیم نهایی این شد که مسابقه طراحی پوستر برگزار شود که هم رنگ گرافیکی آن بیشتر است و هم افراد بیشتری می‌توانند به نام استاد خود درگیر ماجرا شوند.

مسئله بعدی تعیین محدوده جغرافیایی بود. عابدی می‌گوید: «اخواستیم حرکتی فرامحلی انجام دهیم. بنابراین تصمیم گرفتیم فراخوان کشوری بدهیم. به علاوه با راه اندازی وب سایت خواه ناخواه قضیه فراملی می‌شود.» چنین کاری به گفته عابدی با این نیروی محدود و بودجه محدود عملی نخواهد شد. «اگر هم کاری انجام شود، در شان ممیز نخواهد بود.»

پس تلاش برای جلب همکاری گرافیسث‌های دیگر و اسپانسرهای مالی آغاز شد. «مدیران گروه مراکز آموزش عالی به عنوان هیات گزینش آثار معرفی شدند؛ محمد ابراهیم فخر، مهدی اشراقی، میتو سلجوقی نژاد، فریدون کورتزی و روزانه فرخ‌فر.» مرحله بعدی اعلام فراخوان و تبلیغ برای معرفی برنامه‌ها بود که در ماه‌های بهمن و اسفند ۸۴ انجام شد. وب سایت راه اندازی شد. هیات داروان متشکل از سه عضو بومی مشهد یعنی علیرضا جهانمرد، مسعود شاکری، حمیدرضا فللانی و دو داور از تهران یعنی مسعود سپهر و ابراهیم حقیقی تعیین شد. در فروردین ماه ۸۵ با مشخص شدن برنامه‌ها، سیزده مرکز فرهنگی و اقتصادی هم حمایت خود را از برگزاری مسابقه طراحی پوستر ممیز اعلام کردند. اعضای گروه خود را برای دریافت آثار آماده می‌کردند.

■ مقررات-۱ اتفاقات ویژه

۱-۱) آثار باید به صورت فایل و بر روی سی دی با دقت ۳۰۰ dpi، با فرمت Tif، رنگ زدگی CMYK و در ابعاد اصلی ارسال شود.

۲- به همراه هر اثر پرینت رنگی آن در ابعاد A3 بدون پاسپورتو و قاب ارسال شود.

۳- هر شرکت‌کننده مجاز به ارائه حداکثر سه طرح پوستر خواهد بود.

۴- پوسترها با محوریت موضوعی مرتضی ممیز بوده و به نوعی به یاد ایشان مربوط باشد.

۵- تکنیک اجرای پوستر آزاد است و مطالب نوشتاری موجود در آن به انتخاب طراح بستگی دارد.

۶- آثار باید حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۵/۲/۳۱ به نشانی مهلت‌بخانه مراسم ارسال یا تحویل داده شوند.

مهلث ارسال آثار به پایان رسید و شورای برنامه‌ریزی با حجم بالایی از آثار روبه‌رو شد؛ بیش از هزار پوستر. رقعی که «عابدی» آن را «بسیار فراتر از انتظار» عنوان می‌کند. مسعود شاکری می‌گوید: «از شهرهایی کار به دستمان رسید که اصلاً تصورش را نمی‌کردیم.» البته بیشتر آثار از استان خراسان و در درجه دوم از تهران ارسال شده‌اند و بیشتر از طرف دانشجویان رشته گرافیک، حتی تقاضایی هم از کشور

موسیقی و تجسمی



اثر فریدون سلجوقی نژاد

موسیقی و تجسمی



اثر امیر خالقی و نگاربه دوم

آقای ممیز حالا روی پوسترها راه می‌رود

گزارشی از نخستین مسابقه طراحی پوستر بزرگداشت مرتضی ممیز در مشهد

فرناز شهیدناث

بلاژیک بوده که با وجود تلاش‌هایی که تا آخرین لحظه انجام شده اما امکان فرستادن پوستر فراهم نشده است. همچنین «از استادان رشته گرافیک که در این وادی اسم و رسم حرفه‌ای دارند هم کار رسید.» عابدی در تکمیل صحبت‌های همکارش می‌گوید: «کسانی که اسم و رسمی دارند ترجیح می‌دهند در مسابقه‌هایی که در شهرستان‌ها برگزار می‌شود یا گروه‌هایی که آنها را برپا می‌کنند چندان معروف نیستند شرکت نکنند.» از کورش پارسنازاد، علی خسروی و نسرین شهباززاده در بخش خارج از مسابقه تقدیر شد.

تمام آثار رسیده هم قابل ارائه به هیات گزینش آثار نبودند. دبیر مراسم می‌گوید: «بعضی از پوسترها کیفیت خوبی نداشتند و در همان نگاه اول می‌شد تشخیص داد که جایگاهی برای رفتن به مرحله بعد ندارند. بعضی از آثار هم فقط به شکل پرینت ارائه شده بودند و فایل نداشتند، بنابراین از ادامه مسابقه بازماندند. به علاوه آثار خوبی هم بودند که دیرتر از زمان مقرر ارسال شده بودند و برای روز گزینش آثار به دست ما نرسیدند.» در نهایت «بیش از سیصد پوستر برای انتخاب هیات گزینش چیده شدند.» انتخاب اولیه طی پنج مرحله انجام شد و تعداد آثار به پنجاه اثر رسید. اما هیات گزینش مجبور شدند روز بعد برای دومین بار تعدادی از آثار تازه رسیده را داوری کنند. چون «آثاری بودند که در تاریخ مقرر ارسال شده بودند اما یک روز دیرتر از پیش‌بینی ما به دستمان رسیدند.» قرار بوده پنجاه اثری که به مرحله نهایی راه پیدا می‌کنند در نمایشگاهی که از تاریخ چهارم تا نهم خرداد برگزار می‌شود نمایش داده شوند. اما در نهایت تعداد آثار نمایش داده شده به ۲۸ اثر تقلیل پیدا کرد. دلیل این کاهش تصویری تغییر مکان برگزاری نمایشگاه است. عابدی دلیل این تغییر مکانی را «واقع یک اتفاق ویژه در نقطه‌ای از دنیا» عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: «با احترام به همه این اتفاقات‌ها توی سرزنان دنبال مکان دیگری گشتم.» در فرصت یکی دو روز مانده به افتتاحیه نمایشگاه اعضای شورای برنامه‌ریزی تمام‌توان خود را به کار انداخته‌اند و کاری که می‌توانسته‌اند، انجام داده‌اند. حتی نوشتن نامه‌ای به وزارت ارشاد مشهد برای «تایید صلاحیت مرحوم مرتضی ممیز» تا بتوانند نمایشگاه آثار برگزیده را در یکی از مکان‌های عمومی شهر برپا کنند.

در لحظه‌های آخر فرهنگسرای بهشت در اختیار این گروه قرار می‌گیرد. خانه‌ای قدیمی که می‌گویند عمرش به سال‌های آخر سلسله قاجاریه می‌رسد و چند سالی است که در اختیار شهرداری مشهد قرار گرفته است. با اینکه شهرداری از حمایت‌کنندگان برنامه نبوده اما «سپهرضا موسوی» مدیریت فرهنگسرای بهشت همکاری‌های لازم را با عابدی و اعضای گروهش انجام می‌دهد. به این ترتیب در روز افتتاحیه تعداد سی و هشت پوستر با پادی از ممیز روی دیوارها نصب می‌شود.

مرحله پایانی داوری آثار، بعدازظهر روز یکشنبه هفتم

خرادماه، با همراه شدن مهمان‌های تهران آغاز می‌شود. داوری آثار تا نزدیک ساعت یک بامداد طول می‌کشد تا در نهایت نام سه نفر در روز اختتامیه اعلام شود. نفر اول «اواد خلیلی»، نفر دوم «امیر خالقی» و نفر سوم «امیرحسین قوچی‌یک».

■ حضور خارجی

«ابراهیم حقیقی» در مورد نتیجه مسابقه می‌گوید: «تشویق نغزات برگزیده به جایزه‌های مادی و مبلغ بسیار مختصری محلود می‌شود.» و این بخش کوچکی از ماجرا است. مهم‌تر «انگیزه‌ای است که برای حرکت‌های بعدی ایجاد می‌شود. اتفاق اصلی گروه‌هم آمدن جوان‌های مشتاقی است که دوست دارند وارد حوزه گرافیک بشوند. در چنین موقعیت‌هایی می‌توانند راه‌خودشان را پیدا کنند.» از تجربه خود مثال می‌زند: «که چهل سال پیش چنین حرکت‌هایی در حوزه‌های دیگری مثل سینما اتفاق افتاده بود. بسیاری از هنرمندان امروز ما جوان‌های چهل سال پیش هستند که در همین موقعیت‌ها روی صحنه رفتند و جایزه گرفتند.»

از حقیقی در مورد حضور «ممیز» در پوسترهای پرسم.

آیا شناخت گرافیسث‌ها به تصویر و امضای او محدود شده است؟ «ممیز در آثار هم حضور داشت.» اما حضور خارجی او برای «حقیقی» اهمیت بیشتری دارد. «حضور خارجی» از خودش معنا می‌آید: «تداوم خواسته ممیز و اعتقاد کاملش به گرافیک. این افتاد امروز با نام ممیز ادامه پیدا کرده. امیدوارم همه ما این راه را ادامه بدهیم.» چون در نهایت به نفع جامعه گرافیک و به تبع آن به نفع ایران است. ادامه این راه و تکرار برنامه‌ای مثل مسابقه پوستر ممیز در مشهد به عوامل مختلفی بستگی دارد. «مسعود سپهر» معتقد است: «نمایشگاه مشهد که نسبت به نمایشگاه‌های مشابه بسیار جدی برگزار شد، کاری خودانگیزخته و

خودساخته بود، بنابراین تکرار چنین برنامه‌ای را باید به عهده برگزارکنندگان آن گذاشت. اما چنین حرکت‌هایی بدون شک از جانب انجمن طراحان گرافیک ایران حمایت خواهد شد.» خود این مسابقه به عقیده او ظرفیت برگزاری سالانه را دارد و این طور که می‌گوید «بچه‌های گرافیک خراسان جنب‌وجوش زیادی دارند و علاقه زیادی نشان داده‌اند.» از طرف دیگر برگزارکنندگان برنامه هم حالا گرم شده‌اند و امید زیادی به سال‌های بعد دارند. «مسعود شاکری» می‌گوید: «انزیدیکی و الفنی که در طول اجرای این برنامه بین ما به وجود آمد این امید را می‌دهد که از حد یک نمایشگاه فراتر برویم و کارهای متعددی انجام بدهیم.» یعنی همان کاری که دانشجویان از استادان خود انتظار دارند. شاکری معتقد است مشهد پتانسیل خوبی برای تشکیل یک جمع گرافیکی و انجام فعالیت‌های منسجم‌تر دارد: «ما در ابتدای راه هستیم. در حال حاضر پروسه‌ای را طی می‌کنیم که بتوانیم جایگاه اجتماعی قانونمندی برای گرافیک دست و پا کنیم. نطفه کارهای بهتر و بزرگتر آینده هم همین روزها و با شکل‌گیری همین جمع‌ها تشکیل می‌شود.»

فردوسی دانشگاه مشهد روی زمین چیده شدند تا شکل‌های شخصیت گرفته جدیدی را نمایش دهند. پیش از برگزاری مراسم پایانی و اعلام نام برگزیدگان نیز نشست با حضور مسعود سپهر و ابراهیم حقیقی در میان گرافیسث‌های کهنه کار مشهدی انجام شد. نشست که اگرچه آغازش با گلّه و شکایت گرافیسث‌ها از همشهری‌ها و گاه از همکاران خود همراه بود اما نتیجه‌ای بهتر از تنظیم شکایت‌نامه در پی داشت. صحبت‌های سپهر و حقیقی بیشتر تعریف خاطرات گذشته و روایت چگونگی شکل‌گیری جمعی که امروز به نام انجمن طراحان گرافیک ایران شناخته می‌شود بود: «مرتضی ممیز با اعتقاد به شکل‌گیری یک انجمن از گرافیسث‌های فعال، یک‌به‌یک همه ما را دور میزهای ناهار و شام جمع کرد. کم‌کم به یک جمع سی نفری رسیدیم. اول آموختیم یکدیگر را تحمل کنیم، بعد با هم آشنا شدیم و بعد همدیگر را دوست داشتیم.» پس قدم اول، دور هم جمع شدن و تحمل کردن یکدیگر است. «حقیقی» به صبر کردن توصیه نمی‌کند: «حرکت کنید و وارد کارزار بشوید. سر راه اینقدر حفره هست که به این زودی‌ها پر نمی‌شود.» و توصیه می‌کند که «انتظار معجزه نداشته باشید. معجزه چیزی بیشتر از اتفاقی که امروز رخ داده نیست.» مسعود سپهر نیز با تحلیلی کوتاه از وضعیت فرهنگی و اقتصاد در گردش استان خراسان و شهر مشهد، شرایط را به‌خصوص برای پیشرفت در کارهای گرافیکی مطلوب خواند. اما از قوه به فعل درآمدن این ظرفیت را بسته به تلاش گرافیسث‌های محلی معرفی کرد: سپهر در مورد عقب‌تر بودن شهرستان‌ها از تهران می‌گوید: «این احساس، حداقل در خود شهرستان‌ها وجود دارد. اما ما اصلاً نمی‌خواهیم به آن رسمیت بدهیم. همیشه می‌گوییم خوب کار کنید که بتوانیم رقابت کنیم.» و مثال می‌زند: «اگر یک طراح بلاژیکی به ایران بیاید و بخواهد کاری انجام بدهد، ما ایرانی‌ها به‌خاطر آشنایی با فرهنگ خودمان از او جلوتریم. حالا اگر او کار را از دست ما بگیرد، نمی‌توانیم غیر از خودمان کسی را دیگری را سرزنش کنیم.»

نشست گرافیسث‌ها با دعوت یکی از حاضران برای صرف شام در شاندیز و امید به شکل‌گیری هسته اولیه گرافیکی برای دور هم جمع شدن و حل مشکلات صنفی تمام شد.

مراسم پایانی نخستین مسابقه طراحی پوستر بزرگداشت ممیز بعدازظهر روز سه‌شنبه، ۹ خرداد در دانشگاه مشهد برگزار شد. مسعود سپهر و ابراهیم حقیقی بار دیگر به سئوالات گرافیکی ساکنان مشهد پاسخ دادند و قدردانی آمیخته با تعجب خود را از استقبال گرافیسث‌های خراسانی ابراز کردند. مسعود سپهر چند دقیقه‌ای در مورد مسابقه حرفه‌ای مرتضی ممیز و جایگاه او در میان جامعه گرافیک ایران صحبت کرد. اینکه در دهه چهل در ایران کلمه گرافیک وجود نداشت و ممیز را با عنوان «نقاش کتاب هنته» می‌شناختند. اما طرح‌های این نقاش کتاب هسته در نشریه‌های گرافیکی آن روزها در ارو پا ثبت شده و «همه‌ها یک گرافیسث‌آشنایی آشنا شدند که در ایران به زبان روز و به شیوه معاصر کار می‌کرد.» پس ایران با وجود ممیز حداقل در سطح خاورمیانه یکی از اولین کشورهای بود که در آن طراحی گرافیک به شیوه معاصر انجام شد. «مهم است که بدانیم همین علاوه بر اینکه معملی بزرگ بود، درس دادن گرافیک را بینیانگذاری کرد و همچنین با تلاش‌های شخصی، حرفه خودش را در سطح انجمن صنفی سازمان‌دهی کرد.» به عقیده سپهر قاطعیت و محبت ممیز در اتحاد گرافیسث‌ها نقش کلیدی داشت: «خوب است به خواسته‌های او احترام بگذاریم.» و احترام گذاشتن به شکل همین مراسمی که به نام ممیز برپا شده نمود پیدا می‌کند. مراسمی که شاید کار به نام ممیز نبود اینقدر جدی دنبال نمی‌شد. حقیقی می‌گوید: «منم دانم آیا جز با نام ممیز اتفاق می‌افتاد یا نه. به هر حال ما در تلاشیم که این راه را ادامه بدهیم و به عنوان «روش» ثبت کنیم.»

بیانیه هیات برگزاری و هیات داوران به عنوان شرح کوتاهی بر فعالیت‌های انجام شده و گرامیداشت تلاش جوانان و حرفه‌ای‌های که با حضور خود به معلم حرفه‌شان ادای دین کرده‌اند، خوانده شد. بعد از اعلام نتیجه مسابقه و تقدیر از همه کسانی که به شکلی نام خود را در جریان مراسم ثبت کرده بودند، بخش غیررسمی آغاز شد. خیل «عشقان گرافیک» خدمت ابراهیم حقیقی و مسعود سپهر رسیدند و هرکدام تقاضای حضور در کادر دوربینی‌ها گرفتند امضایی برای یادگاری داشتند. بعضی‌ها با چند رنگ خودکار و روی برگه‌های مختلف امضا می‌گرفتند. شاید این حرکت‌های سخت برای پیشینی گرفتن از خیل علاقه‌مندان هم بخشی از همان حرکتی باشد که حقیقی به دختر جوانی توصیه می‌کند تا دچار افسردگی عشق نشود.

به هر حال باید حرکت کرد تا جواب مثبت گرفت.

معماری

چهار نکته

برای جشن دو سالگی

در حاشیه برگزاری سلسله نشست‌های نقد معماری امروز ایران

علی اعطا

۱ – معمولاً افراد کتابخوان، وقتی زمانی یا داستانی می‌خوانند بدشان نمی‌آید در مطبوعات نوشته‌ای، نقدی یا گفت‌وگویی هم درباره آن کتاب بخوانند. اما معمولاً کمتر به ذهن افراد خطور می‌کند که می‌شود در شهر ساختمانی دید، داخل آن رفت و از آن استفاده کرد و نوشته‌ای درباره آن هم در مطبوعات خواند و یا مثلاً در جلسه‌ای که برای نقد آن برگزار می‌شود، شرکت کرد. تصور عمومی‌ما معمولاً این‌طور است که وقتی درباره معماری ایران حرف می‌زنیم، تنها آثاری مثل تخت جمشید، چغازنبیل، میدان نقش جهان و . . . شایسته بحث و گفت‌وگو هستند. اما معمولاً از این نکته غفلت می‌کنیم که چیزی به اسم معماری معاصر هم وجود دارد که خیلی هم جدی است، چون بالاخره محیط زندگی‌ما معمولاً به وسیله معماریانی ساخته می‌شود که همین حالا مشغول طراحی یا ساخت و سازند. پس طبیعی است اگر در شهری که در هفته ده‌ها جلسه نقد و بررسی کتاب و ادبیات و . . . برگزار می‌شود یا صدها مطلب در این باره منتشر می‌شود، جلساتی هم به منظور نقد آثار معماری معاصر برگزار شود.

۲ – مجموعه نشست‌های «معرفی و نقد معماری امروز ایران» که از سوی جامعه مهندسان معمار ایران پنجشنبه آخر هر ماه در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود، پنجشنبه آخر اردیبهشت، دوساله شد. از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۳ تا اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۵، یعنی در طول این دو سال، سیست جلسه نقد و معرفی معمار و برگزار شده که به تائوب به معماران زیر ۴۰ سال و بالای ۴۰ سال اختصاص داشته است. در این جلسات معمولاً معمار، سه یا چهار پروژۀ خود را به صورت کامل معرفی می‌کند و دیدگاه‌ها و مبانی تئوریک کار خود را توضیح می‌دهد و در نیمه دوم جلسه، دو منتقد به ارزیابی آثار او می‌پردازند. مدعوین این جلسات طی دو سال گذشته، معمارانی با گرایش‌ها و رویکردهای متفاوت و البته با آثاری در سطح کیفی متفاوت بوده‌اند که بسیاری از آنها نیز پروژه‌های چندان شناخته شده‌ای در میان معماران و هنرمندان نیستند. بنابراین این جلسات، برای افرادی که دغدغه شناخت رویکردها و گرایش‌های رایج در میان معماران امروز ایران را داشته باشند، فرصت مناسبی تلقی می‌شود.

۳ – آفرینش اثر معماری، نتیجه هم‌نشینی پارامترهای مختلف و تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر است. اگر آفرینش اثر معماری را یک کنش بدانیم، نقد، واکنشی است که به بعد از خلق اثر مربوط است و جدال میان این کنش و واکنش به معمار کمک می‌کند تا از نقاط قوت و ضعف اثر خود مطلع شود و نیز اثر خود را در اقی‌های نقدی که منتقد باز می‌کند، بازخوانی کند. مسلماً نقده‌ای که بتواند چنین کارکردی داشته باشد، تاگزیر باید به گونه یک فعالیت جدی و مستقل مورد توجه قرار گیرد. ما در ایران منتقد حرفه‌ای معماری نداریم و با خیلی کم داریم و البته زمینه‌های تربیت آن هم نداریم. جلسات «معرفی و نقد» معماری خانه هنرمندان ایران، در زمینه «معرفی» آثار معماران امروز، کارکرد مثبتی دارد – و باید به گردانندگان آن از این امر، تبریک گفت – اما به لحاظ «نقد» هنوز در سطح کیفی مطلوب قرار نگرفته است و این امر، البته نه به برگزاریکنندگان جلسات، که به انگشت‌شمار بودن منتقدان حرفه‌ای معماری و ناهدیه‌نشدن «نقد» به عنوان یک فعالیت جدی و مستقل، در جامعه معماری ایران بازمی‌گردد. جامعه معماران ایران می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های کاربردی و حتی با ایجاد «انجمن نقد معماری» گامی در راستای رفع این خلأ بردارد.

۴ – در نهایت باید گفت جلسات معرفی و نقد معماری خانه هنرمندان ایران، بعد از گذشت دو سال و برگزاری بیست جلسه، با نظم و تداومی که دارد، در میان معماران، هنرمندان، دانشجویان و علاقه‌مندان معماری جای خود را باز کرده است و به نظر می‌رسد اکنون این پتانسیل وجود دارد تا توسعه و ارتقای کیفی آن در دستور کار قرار گیرد.

خبر

تندیس امام خمینی در حوزه هنری نصب می‌شود

خبرگزاری میراث فرهنگی : همزمان با هفدهمین سالگرد ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی، تندیس پنج متری امام خمینی (ره) در حوزه هنری نصب می‌شود. این تندیس به دستور تمام شد و با ارتفاع متر ساخته شده است و در محوطه حیاط ساختمان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی واقع در خیابان حافظ نصب می‌شود.

تولید و نمایش نقاشی با موضوع سیره امام خمینی (ره) از دیگر فعالیت‌های انجام شده در عرصه هنرهاي تجسمی به مناسبت ایام ارتحال امام خمینی (ره) است. این آثار توسط «حبیب‌الله صادقی» با عنوان «از امام آموختیم» نقاشی شده‌اند و هدف از آن ایجاد بستری برای آشنایی نسل جوان با ابعاد وجودی آن بزرگوار بوده است. در کنار این برنامه‌ها همچنین چندین نمایشگاه عکس با همکاری خانه عکاسان ایران که مهم‌ترین آنها برگزاری نمایشگاه عکس در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تئاتر شهر و تمامی مراکز استانی حوزه هنری است، برگزار می‌شود.

تهیه و تنظیم موسیقی سنتی براساس اشعار امام(ره) با صدای «جلال‌الدین محمدیان» و تهیه و تنظیم مجموعه‌ای شامل هفت آهنگ با تلفیقی از اشعار حضرت امام با صدای علیرضا افتخاری و جلال‌الدین محمدیان از برنامه‌های این سازمان است.